

□ **سمینار عمومی (Colloquium)**□ **دفاع از رساله دکتری**□ **سمینار تخصصی (Seminar)**■ **دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد**□ **سمینار تخصصی و مشورتی (Informal Seminar)****عنوان: تأثیر احساسی طردشدگی بر تنظیم فاصله بین فردی مطبوع در افراد با و بدون صفات شخصیت خودشیفته****سخنران: ریحانه شومالی****چکیده:**

در سال‌های اخیر سازه فاصله بین فردی تحت عنوان سازه‌ای مهم و بنیادین در روابط بین فردی مطرح شده است و پژوهش‌های متعددی به بررسی آن در اختلالات روان‌شناختی مختلف خصوصاً اختلالاتی که نقصان در روابط بین فردی در آن‌ها مهم جلوه می‌کند، پرداخته‌اند. علی‌رغم این که کژکاری در روابط بین فردی اختلال خودشیفتگی از مهم‌ترین معیارهای تشخیصی آن به‌شمار می‌آید، تاکنون مطالعه‌ای در راستای بررسی فاصله بین فردی در افراد خودشیفته صورت نگرفته است. از سوی دیگر این افراد همواره در پی دریافت تأیید و تحسین از جانب افراد دیگر هستند و این موضوع موجب می‌شود که در برابر طرد و انتقاد حساسیت بالایی داشته باشند. از این‌رو روابط بین فردی آن‌ها و فاصله مطبوعی که در تعاملات خود با دیگران تمایل به حفظ کردن آن دارند، می‌تواند تحت تأثیر احساس طردشدگی که آنان تجربه می‌کنند قرار بگیرد. به همین سبب پژوهش حاضر با هدف مقایسه تأثیر القای احساس طردشدگی بر تنظیم فاصله بین فردی مطبوع نسبت به شخصیت‌های تصویر خود، دیگران مهم و آشنا (مادر، دوست، شریک عاطفی)، دیگری تهدیدکننده (دزد) و خنثی (فروشنده) و دیگری پذیرنده و طردکننده در افراد با و بدون صفات شخصیت خودشیفته و همچنین مقایسه تأثیر القا و عدم القای احساس طردشدگی بر تنظیم فاصله بین فردی مطبوع نسبت به شخصیت‌های مذکور در افراد دارای رگه‌های شخصیت خودشیفته انجام شده است. شیوه نمونه‌گیری این پژوهش، از نوع غیرتصادفی در دسترس بود. جامعه آماری پژوهش پژوهش حاضر، دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی تهران در بازه ۲۵-۱۸ سال را شامل می‌شود. تعداد کل شرکت‌کنندگان ۱۷۲ نفر بود که ۸۶ نفر از آن‌ها واجد رگه‌های شخصیت خودشیفته (۴۲ نفر گروه طرد و ۴۴ نفر گروه پذیرش) و ۸۶ نفر فاقد این رگه‌ها بودند (۴۲ نفر گروه طرد و ۴۴ نفر گروه پذیرش). طرح این پژوهش از نوع بنیادی بوده و از دیدگاه شیوه اجراء از نوع نیمه‌آزمایشی با طرح عاملی-ترکیبی به‌شمار می‌آید. جهت پاسخگویی به سؤالات پژوهش حاضر، آزمون تحلیل واریانس آمیخته ۲*۲*۸ مورد استفاده قرار گرفت. با استناد بر یافته‌ها، القای احساس طردشدگی در افراد واجد رگه‌های شخصیت خودشیفته موجب انتخاب فاصله بین فردی معنادار بیشتری در مواجهه با شخصیت‌های تصویر خود، مادر، شریک عاطفی، دوست و دیگری طردکننده و ترجیح فاصله معنادار کمتر با شخصیت دیگری پذیرنده شد. شایان ذکر است که در مواجهه با شخصیت‌های دیگری تهدیدکننده و خنثی بین دو گروه افراد واجد و فاقد رگه‌های شخصیت خودشیفته تفاوت معناداری مشاهده نشد. در گروه‌های دارای صفات شخصیت خودشیفته، القا و عدم القای طرد در مواجهه با شخصیت‌های تصویر خود، مادر، شریک عاطفی و دیگری طردکننده به صورت معنادار موجب انتخاب فاصله بیشتر و در مواجهه با دیگری پذیرنده انتخاب فاصله کمتری را باعث شده است؛ درمورد شخصیت‌های دیگری خنثی و تهدیدکننده و دوست این تفاوت معنادار نبود. عامل بنیادین در ترجیح فاصله بین فردی بیشتر یا کمتر با شخصیت‌ها در گروه‌های واجد رگه‌های شخصیت خودشیفته این بود که شخصیت مذکور تا چه اندازه به تحقق خود ایده‌آل کاذب در فرد خودشیفته کمک می‌کند و یا این که در این مسیر او را ناکام می‌گذارد. از سوی دیگر فرد خودشیفته جهت پر کردن خلأهای درونی خود به تأیید دیگران نیازمند بوده و به همان میزان هر قدر که طرد بیشتری را از جانب آن‌ها دریافت کند، در فاصله بیشتری نسبت به آن‌ها احساس مطبوعی دارد.

زمان برگزاری: شنبه ۱۴۰۱/۱۲/۲۰**مکان برگزاری: کلاس ۳۱۴**